

بایگانی شغل ناشناخته در نظام اداری ایران

«بایگان امین جامعه است»

نوشته: یدا... نیازمند

در شماره پیشین تحول اداری وعده دادم پیرامون درجه بندی شغل بایگانی و شرایط احراز آن مطالبی بنویسم؛ به امید آنکه مباحث آینده سودمند واقع گردد بعرض می رسانم.

متأسفانه لازمه ورود به این مبحث ذکر مقدمه ای است که مفصل تر از ذی المقدمه خواهد بود و چون گریز از این وضع مقدور نیست، شما خواننده گرامی بزرگواری فرموده، خطای لازم مرا به لطف و عنایت خود ببخشید و این است آن مقدمه که تاریخچه ای است از اقدامات اخیر در زمینه درجه بندی بایگانی و بایگانان. صرف نظر از تاریخ و سابقه نگهداری اسناد دولتی، که شروع آن به زمان رواج تمدن ایلام و بابل مربوط می شود، به ویژه در دوران هخامنشیان و اشکانیان و سپس ساسانیان همت خاصی در نگهداشت حسابهای مالیاتی به کار می رفت^(۱) پیشینه درجه بندی بایگانیها و یا بایگانان در نظام اداری ایران چندان تاریخی نیست. آغاز آن را باید از سال ۱۳۳۷ شمسی دانست. به این شرح:

قطعاً جماعتی از ارباب مطالعه می دانند که ناصرالدین شاه به دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار در سه نوبت راهی دیار فرنگستان شد. او که پولی در بساط نداشت تا هزینه گزاف اروپاگردی خود و همراهانش را تأمین کند دست به دامن بانکهای وابسته به روس و انگلیس گشت و درآمد گمرکات کشور را برای واریز مطالباتشان به آنان سپرد.

از آنجاکه هردو دولت به واگذاری امور گمرکی ایران به عاملی طرف مقابل رضایت نمی دادند قرار شد

۱- در زمستان سال ۱۳۱۲ شمسی حدود سی هزار لوحه گلی در بایگانی تخت جمشید توسط پروفیسور «هرتسفلد» بدست آمد. علاوه براین در سال ۱۳۱۸ هفتصدوپنجاه لوحه دیگر کشف شد که با بررسی آنها معلوم گردیده که در طبقه بندی و تنظیم و استقرار نظام بایگانی و نگهداری آنها کمال دقت را منظور داشته اند.

هیأتی از بلژیک به ایران بیایند و گمرک را اداره کنند. رئیس این جمع «مستر نوز» بود او تشکیلاتی برای ایفاء وظایف خود ترتیب داد و دبیرخانه‌ای نیز برپا داشت. با توجه به اینکه حجم مکاتبات روزانه در آن تشکیلات بسیار کم و محرمانه داشتن امور، خاصه از دید ایرانیان از سیاستهای اساسی آن جمع بود، کار ثبت و ضبط و ارسال نامه‌ها را نیز به دبیرخانه که رئیس بلژیکی داشت، واگذار کرد. در نتیجه نویسنده دفتر اندیکاتور (دفتر ثبت نامه‌های رسیده و فرستاده) مسئول بایگانی سوابق نیز شد. به همین نظر ستون کلاسمان را در آن دفتر چاپ و چون از روش بایگانی اسناد تنها سیستم کارتن - جزوه‌دان را می‌دانستند ستون مذکور را به سه قسمت قفسه، طبقه، پوشه یا چهار ستون فرعی قفسه، طبقه، جزوه دان و پوشه تقسیم کردند.

اینکه بسیاری از موارد عنوان «دفتر و بایگانی» باهم نامیده، یا در تشکیلات بعنوان یک دایره یا اداره منظور می‌شوند، ارث و میراثی است که از آن زمان باقی مانده کما اینکه فرم دفاتر اندیکاتور، بازرسی و اندکس و روشهای بایگانی در بسیاری از تشکیلات دولتی، حتی غیر دولتی ایران همان است که آنان براه انداختند. آن روزگار نه مؤسسات و سیع دولتی موجود بود و نه مردم مجبور و معتاد به نامه‌نگاری مستمر به ادارات می‌شدند. اگر حجم کار دبیرخانه اقتضاء می‌کرد یک نفر هم ثبت باشد و هم ضباط اشکالی نداشت. مثل آن بود که وظیفه حسابداری را هم عهده دار شود. ولی امروزه که در بسیاری از ادارات و وزارتخانه‌ها برای ثبت روزانه نامه‌های رسیده یا فرستادنی ناگزیر به داشتن دو یا سه یا چهار دفتر اندیکاتور هستیم آیا واگذاری وظیفه نگهداری پیشینه‌ها به دبیرخانه و قرار دادن مدیریت این دو زیر نظر یک نفر عاقلانه است؟ و... که نه، بگذریم.

در اوایل تأسیس وزارت دارائی شرط استخدام افراد، آن بود که در دو امتحان یکی حسابداری و دیگری بایگانی موفق شوند. بدین ترتیب برای بایگانی اهمیتی نسبی قائل شدند و این منزلت شغلی به مرور و به ویژه در سالهای جنگ جهانی دوم که کشور دچار آشوب و محیط اداری تیول جماعتی چپاولگر گشت، به کلی از میان رفت. مدیرانی که به زبان ساده دزد بودند به خاطر آنکه سوابق کارشان در محیط اداری نماند و احیاناً یک روزی دست آویز پیگردشان نگردد عوامل خود از قبیل باغبانان و نوکران شاغل در منازل خویش را به خدمت روزمزدی دستگاه درآورده، آنچه از اسناد و پرونده‌ها را می‌خواستند وسیله آنان امحاء و یا به منازل خود می‌بردند.

با استخدام این گونه افراد و اشتغال آنان در دوایر مسئول نگهداری اسناد، منزلت شغلی بایگانی تا آن حد

تنزل یافت که حتی دارندگان گواهی نامه ششم ابتدایی از قبول خدمت بعنوان بایگان در یک اداره ننگ داشتند. در مهرماه سال ۱۳۲۸ واقعه‌ای اتفاق افتاد و مرا که در آن وقت رئیس دفتر اداره کل دامپزشکی در وزارت کشاورزی بودم، متوجه اهمیت کار بایگانی و بایگانان کرد. (۲) براه افتادم... بقدر وسع و استطاعت خود به مطالعه چگونگی کار و شئون و شرایط شغلی بایگانان در ادارات دولتی خودمان و بخصوص در کشورهای پیشرفته پرداختم.

لازمه مطالعه آن بود که ابتداء در دواير بایگانی ادارات وزارت کشاورزی و بعد در وزارتخانه‌های دیگر مشغول شوم. یادشان بخیر که معاونم کارها را روبراه می‌کرد. و آقای مدیرکل هم از اعطای مرخصی مضایقه‌ای نداشت. چه، آنکه می‌دانست بهرزگی نمی‌روم. چندی نگذشت که دچار سرزنش این و آن شدم. کسانی گفتند حضور تو در بایگانیها و حشرونشر با بایگانان موجب هتک حیثیت شغلی ما می‌شود!! یکی می‌گفت «اگر بایگانی برو حکم بگیر و آنجا بمان و اگر نیستی چرا می‌روی و با بایگانان نشست و برخاست می‌کنی؟ نمی‌دانی که آبروی شغلی ما از بین می‌رود!!» بدیهی است که در آن ایام شغل ممتاز و شاخصی داشتم.

در طول ۹ سال، مطالعات من چه در داخل کشور و چه با توسل به وسایل گوناگون در چگونگی سیستمهای رایج در کشورهای اروپایی و آمریکا و به ویژه سازمان ملل تکمیل شد. ولی درد آن بود که هیچ یک از مدیران حاضر نبودند بایگانی و بایگانان حیطة نظارت خود را برای اصلاح در اختیار من قرار دهند. می‌ترسیدند که بایگانیهایشان را بهم بریزم و از عهده اصلاحشان برنایم. تا آنکه شبی در باشگاه دانشگاه تهران من و مدیرعامل بنگاه جنگلها جزء مهمانان بودیم. ماجرا را به او گفتم. او به شدت ابراز علاقه کرد و خواست بایگانی کارگزینی بنگاه را سروصورتی بدهم. پس از اتمام کار و بازدید از آن و پرداخت پاداش مناسبی که من هم از آن بی نصیب نبودم گفت «فکری برای اداره صدور پروانه بکن». این کسانی که تقاضای صدور پروانه قطع درخت می‌کنند، می‌روند و درختان مال مردم را می‌برند و می‌آورند... عرض کردم ظرف سه ماه پرونده‌ها را که بر اساس نام و مشخصات متقاضیان عنوان نویسی شده به نام جنگل مربوط تبدیل می‌کنیم. پس از تشریح چگونگی کار موافقت کرد. مشغول شدیم.

۲- شرح واقعه را در پیشگفتار کتاب «سیستمهای تدوین بایگانی» نوشته‌ام.

در سال ۱۳۳۷ با مساعدت و کمال علاقه مندی همان فرد که وزیر کشاورزی شده بود و کمکهای معاون ثابت اداری و مالی آن وزارت از شورای عالی معاونین اداری وزارتخانه‌ها دعوت شد تا جلسه ماهیانه خود را در محل اداره ترویج کشاورزی برای استماع عرایض من درباره بایگانیها تشکیل دهند. در آن نشست اوضاع بایگانیها و لزوم توجه به آموزش فن بایگانی و بهبود حال متصدیان این شغل مطرح و قرار شد آن را یکی از مشاغل فنی شناخته و به بایگانیهایی که دوره‌های آموزشی را بگذرانند حق فنی پرداخت گردد.

در اجرای این تصمیم رئیس وقت بایگانی دبیرخانه وزارت دارائی، که از ماجرا آگاه شده بود، با عجله متن تصویبنامه‌ای را تهیه و توسط وزیر دارائی به هیأت وزیران تقدیم داشت که بر اساس آن بایگانی برحسب تعداد پرونده‌های ابوابجمعی، به سه درجه تقسیم و حق فنی بایگانان شاغل در آنها به میزان حداکثر پنجهزار ریال معین شده بود. غافل از آنکه می باید بایگانان را بر مبنای مدارج تحصیلی، سوابق خدمتی و انواع ارزش فنی، حقوقی، سیاسی، نظامی و غیره اسناد و پرونده‌ها و حدود مسئولیتی که در تنظیم و نگهداشت آنها دارند طبقه‌بندی نمود.

می دانید نتیجه این کار چه شد؟ عموم بایگانان برای آنکه بایگانی آنها درجه یک شناخته شود پرونده‌های نیمه جاری و راکد را جاری معرفی کرده، از جداسازی آنها امتناع و موجبات خریداری قفسه‌های گران قیمت لکتریور و پوشه‌های آویزان و گردان وسیله دلانان کمپانیهای خارجی را فراهم آوردند حال اینکه هرگز در نظام و استقرار سیستم صحیح و متناسب برای دسترسی سریع به پرونده‌های مورد نظر قدمی برداشتند.

بهر حال، پس از تأسیس سازمان خدمات کشوری و به دنبال آن «سازمان امور اداری و استخدامی کشور» و توجه به لزوم طبقه‌بندی مشاغل (که سابقه‌ای بسیار طولانی داشت، حتی در اولین دوره مجلس شورا، پس از استقرار مشروطیت برخی از نمایندگان ضمن نطقهای قبل از دستور خواستار اجرای آن شده بودند). شغل بایگانی نیز مورد توجه قرار گرفت. ولی از آنجا که کارشناسان مربوط، خود از اهمیت کار و چگونگی آن و مسئولیتهای مهم بسیاری از بایگانان بیخبر بودند سطوح شغلی و شرایط احراز آن را در مراتبی قراردادند که سزاوار نبود. اجازه فرمایید دلایل این مدعا را در شماره آینده بعرض برسانم.